



Episode 6: family

قسمت چهارم: خانواده

Hello. This is a five-minute podcast for beginner English learners, by Nasim.

سلام. این یک پادکست پنج دقیقه‌ای برای زبان‌آموزان مبتدی انگلیسی از طرف نسیم است.

Today we talk about family.

امروز قراره درباره خانواده صحبت کنیم.

Family is very important in many cultures. But families can be a little different in different countries.

خانواده در خیلی از فرهنگ‌ها خیلی مهمه. اما خانواده‌ها توی کشورهای مختلف می‌تونن یه مقدار با هم فرق داشته باشن.

Today we will talk about family, and we will also look at a small cultural difference between Iran and Western countries.

امروز در مورد خانواده حرف می‌زنیم و همچنین یه تفاوت فرهنگی کوچیک بین ایران و کشورهای غربی رو هم بررسی می‌کنیم.

First, let's learn some simple family words.

اول، بیایید چند تا کلمه ساده درباره خانواده یاد بگیریم.

father (پدر)

mother (مادر)

parents (والدین)

brother (برادر)



sister (خواهر)

grandfather (پدر بزرگ)

grandmother (مادر بزرگ)

son (پسر)

daughter (دختر)

husband (شوهر)

wife (زن/همسر)

For example:

مثلاً:

My father is kind.

پدر من مهربونه

Her mother is a teacher.

مادر اون یه معلم هست

I have one brother.

من یک برادر دارم

I have two sisters.

من دو تا خواهر دارم

We can also talk about our parents together.

ما همچنین می‌تونیم در مورد والدینمون با هم صحبت کنیم

Their parents live in Tehran.

والدین اون‌ها توی تهران زندگی می‌کنن

Your parents are very supportive.



پدر و مادر شما خیلی حمایتگر هستند.

Now let's talk about family in Iran.

حالا بیایید درباره خانواده در ایران صحبت کنیم.

In Iran, family is usually very close. Many people visit their parents often.

توی ایران، خانواده‌ها معمولاً خیلی با هم صمیمی هستند. خیلی از مردم مرتب به پدر و مادرشون سر می‌زنن.

Sometimes grandparents live with the family.

بعضی وقت‌ها پدر بزرگ و مادر بزرگ هم با خانواده زندگی می‌کنن.

For example:

مثلاً:

My grandfather lives with us.

پدر بزرگم با ما زندگی می‌کنه.

Our grandmother cooks for the family.

مادر بزرگ‌مون برای خانواده آشپزی می‌کنه.

Many families like to spend time together. They have dinner together and visit relatives.

خیلی از خانواده‌ها دوست دارن وقتشون رو با هم بگذرونن. با هم شام می‌خورن و به اقوام هم سر می‌زنن.

For example:

مثلاً:

On Friday, we visit my uncle and aunt.

جمعه‌ها به دیدن عمو/دایی و عمه/خاله می‌ریم.

My cousins come to our house.



پسرعمو/دخترعمو یا پسردایی/دختردایی‌ها میان خونه ما

Now let's look at many Western families.

حالا بیایید نگاهی به خیلی از خانواده‌های غربی بندازیم

In many Western countries, children often move out when they grow up. They may live in another city.

توی خیلی از کشورهای غربی، بچه‌ها وقتی بزرگ می‌شن معمولاً از خونه مستقل می‌شن. ممکنه توی یه شهر دیگه زندگی کنن.

For example:

مثلاً:

My sister lives in another city.

خواهرم توی یه شهر دیگه زندگی می‌کنه

My parents live in a small town.

پدر و مادرم توی یه شهر کوچیک زندگی می‌کنن

People still love their families, but they may not see them every week.

مردم هنوز عاشق خانواده‌هاشون هستن، اما ممکنه هر هفته اونا رو نبینن

For example:

مثلاً:

I call my mother every day.

من هر روز به مادرم زنگ می‌زنم

I visit my parents on holidays.

من توی تعطیلات به پدر و مادرم سر می‌زنم



Now let's learn how to talk about family members.

حالا بیایید یاد بگیریم چطوری درباره اعضای خانواده حرف بزنیم.

You can say:

می‌توننی بگی:

This is my brother.

این برادرمه.

This is my sister.

این خواهرمه.

This is my mother.

این مادرمه.

This is my father.

این پدرمه.

You can also talk about names.

همچنین می‌توننی درباره اسم‌ها هم حرف بزنی.

My father's name is Ali.

اسم پدرم علی هست.

My mother's name is Sara.

اسم مادرم سارا هست.

My sister's name is Mina.

اسم خواهرم مینا هست.



Here is a short conversation.

اینم یه مکالمه کوتاه

Anna: Do you have a big family?

آنا: خانواده بزرگی داری؟

Reza: Yes, I do. I have two brothers and one sister.

رضا: آره، دارم. دو تا برادر و یک خواهر دارم.

Anna: Do you live with your parents?

آنا: با پدر و مادرت زندگی می‌کنی؟

Reza: Yes, I live with my parents.

رضا: آره، با پدر و مادرم زندگی می‌کنم.

Here is another example.

اینم یه مثال دیگه

Tom: Where do your parents live?

تام: پدر و مادر شما کجا زندگی می‌کنن؟

Sara: They live in Shiraz.

سارا: اونا توی شیراز زندگی می‌کنن.

Tom: Do you visit them often?

تام: زیاد بهشون سر می‌زنی؟

Sara: Yes, I visit them every month.

سارا: آره، هر ماه بهشون سر می‌زنم.

Families may look different in different cultures, but love and support are important everywhere.

خانواده‌ها ممکنه توی فرهنگ‌های مختلف متفاوت به نظر بیان، اما عشق و حمایت همه جا مهمه.



5-Minute Podcast For Beginner English Learners

Today you learned simple family words and talked about families in Iran and in Western countries.

امروز کلمات ساده مربوط به خانواده رو یاد گرفتید و درباره خانواده‌ها در ایران و کشورهای غربی صحبت کردیم.

Thank you for listening.

ممنون که گوش دادید.

See you in the next episode.

توی قسمت بعدی می‌بینمتون.

بخش ۲: ۱۰ کلمه مرتبط

والدین Parents

پدر مادر بزرگ Grand parents

پدر Father

مادر Mother

خواهر Sister

برادر Brother

دختر Daughter

پسر Son

شوهر Husband

زن (همسر) wife

بخش ۳: ۵ عبارت / جمله خیلی پرکاربرد از متن

1. من دو خواهر دارم I have two sisters.

2. پدرم کشاورز است. My dad is a farmer.



3. من مادر بزرگم رو میبینم I visit my grand mother.

4. Their cousins live in Shiraz پسرعموهای آنها در شیراز زندگی می کنند

بخش ۴: تست

۱) کلمه "پدر و مادر" در انگلیسی به کدام عبارت گفته می شود؟

الف) cousins

ب) parents

ج) siblings

د) relatives

۲) کدام جمله برای معرفی برادر خود صحیح است؟

الف) This is my brother.

ب) This is my sister.

ج) This is my father.

د) This is my mother.

۳) معنی عبارت "My father's name is Ali" چیست؟

الف) پدر من علی است.



ب) اسم پدرم علی است.

ج) نام پدرم علی است.

د) همه موارد بالا درست هستند.

۴) در متن گفته شد که در کشورهای غربی، بچه‌ها وقتی بزرگ می‌شوند معمولاً چه کار می‌کنند؟

الف) با پدر بزرگ و مادر بزرگ زندگی می‌کنند.

ب) هر روز به والدین خود سر می‌زنند.

ج) از خانه مستقل می‌شوند (از خانه والدین می‌روند).

د) با اقوام خود زندگی می‌کنند.

۵) کدام کلمه به معنای "دختر" است؟

الف) son

ب) daughter

ج) wife

د) sister



پاسخنامه و توضیحات

(۱) پاسخ صحیح: ب (parents)

توضیح: در انگلیسی parents به معنی والدین (پدر و مادر با هم) است. cousins یعنی پسرعمو/دخترعمو و غیره، siblings یعنی خواهر و برادر، و relatives یعنی اقوام.

(۲) پاسخ صحیح: الف (This is my brother)

توضیح: کلمه brother به معنی برادر است. گزینه‌های دیگر مربوط به خواهر، پدر و مادر هستند.

(۳) پاسخ صحیح: د (همه موارد بالا درست هستند).

توضیح: عبارت father's name نشان‌دهنده مالکیت است (اسم پدر). در فارسی بسته به اینکه بگوییم "اسم پدرم.." یا "نام پدرم.." یا "پدر من علی است"، هر سه در مفهوم یکسان هستند.

(۴) پاسخ صحیح: ج (از خانه مستقل می‌شوند)

توضیح: در متن آمده است: children often move out when they grow up؛ عبارت move out به معنی ترک کردن محل زندگی فعلی (معمولاً خانه والدین) و مستقل شدن است.

(۵) پاسخ صحیح: ب (daughter)

توضیح: daughter به معنی دختر (فرزند) است. son یعنی پسر (فرزند)، wife یعنی همسر (زن)، و sister یعنی خواهر.